

اصلاح طلبان باید کنار مردم باشند | معترضان جنبش مهسا می‌گویند «می‌خواهیم زندگی کنیم» اما معترضان آبان ۹۸ می‌گفتند «می‌خواهیم زنده بمانیم».

نیروی لباس شخصی نباید در خیابان حضور داشته باشد!



سعید حجاریان از جان باختن مهسا امینی و سایر افراد به‌ویژه کسانی که در زاهدان و شیراز و در گمنامی از دنیا رفتند ابراز تأسف کرد.

به گزارش اسپادانا خبر، او در گفتگو با انصاف نیوز اظهار داشت:

متأسفانه تا الان باز هم آماری بیشتر از وقایعی مانند پانزده خرداد و هفده شهریور ثبت شده و این فاجعه بار است. توجه کنید که در این بین جوان‌های عزیزی جان باخته‌اند و با تأسف باید گفت دستگاه تولید اخبار رسمی به‌مصاف حقیقت رفته و به ازای هر جان یک روایت تولید کرده است بی‌آنکه توجهی شود به این‌که همه اهل ایران‌اند و حتی پیش از آن انسان‌اند. متأسفانه دست‌اندازی به «حقیقت» سکه رایج شده است. در این اعتراضات ابتدا مطالبه سبک زندگی مطرح بود اما به تدریج سیاست تأثیر خود را بر آن گذاشت یعنی اکنون ما با اعتراضاتی چندوجهی مواجه هستیم. در آخر باید تحلیل روان‌شناختی‌ای هم از اعتراضات داشته باشیم که به نظر در آن دو عنصر «طرشدگی» و «تحقیر» واجد اهمیت است؛ عناصری که در یک بازه زمانی بلندمدت جامعه را عصبانی کرده است.

وی گفت:

اعتراضات آبان ۹۸ در شهرهای کوچک صورت گرفت، تا حد زیادی حاشیه‌نشین‌ها را درگیر کرد و بعدتر فراگیر رفت. یعنی مرکزیت اعتراضات از آن طبقه فرودست و یا طبقه متوسطی بود که خود را در آستانه فقیر شدن می‌دید. از سوی دیگر باید به مطالبه معترضان نگاه کنیم. معترضان شهریور-مهر ۱۴۰۱ مطالبه «سبک زندگی» دارند ولی معترضان آبان مطالبه‌شان «خود زندگی» بود. در آبان ۹۸ یک‌باره معیشت خانواده‌ها تحت تأثیر افزایش نرخ بنزین با مخاطره مواجه شد اما حاملان جنبش مهسا لزوماً از این زاویه به اعتراضات نپیوستند و شاید اگر از آن‌ها پرسید بگویند نظام سیاسی کشور هر چه را خواسته است به اقتصاد و سیاست کشور تحمیل کرده است ما می‌خواهیم کافه و رستوران و دانشگاه و پارک و خیابان و در یک کلام عرصه عمومی از این دخالت مصون باشد. به بیان دیگر، خوب است بگویم که معترضان جنبش مهسا می‌گویند «می‌خواهیم زندگی کنیم» اما معترضان آبان ۹۸ می‌گفتند «می‌خواهیم زنده بمانیم». من در مجموع منطقی مواجهه حاکمیت با معترضان را نمی‌پذیرم و معتقدم دستگاه تحلیلی‌شان معیوب است. در اعتراضات آبان ۹۸ دغدغه اصلی زنده ماندن بود یعنی حاملان جنبش جان به لب رسیده‌ها بودند؛ جان به لب رسیدگی از فقر و یا ترس از سقوط به چاله فقر. واقعاً بعضی از آن‌ها چیزی برای از دست دادن نداشتند و حتی حاکمیت بعد از برخورد سفت و سخت این را فهمید؛ فهمید که چه اشتباه مهیبی کرده است. به همین خاطر دست‌کم در گفتار و بعضاً به صورت نمایشی شروع کرد به تفکیک جان‌باخته‌ها و حتی شهیدخواندن‌شان اما الان حاکمیت یک اشتباه جدیدتر مرتکب شده است. این‌بار اعتراض‌کنندگان را اساساً به رسمیت نمی‌شناسد و مدام نفت روی آتش می‌ریزد. گویا در ذهن‌شان این است باید حال یک مشت بچه‌پولد دار پررو را بگیریم.

او ادامه داد:

مسئله حجاب در ایران سیاسی است و بی‌حجابی از جمله روش‌های نه گفتن به ساختار سیاسی محسوب می‌شود. از این گذشته بازنمایی رسانه‌ای همه‌چیز را سیاسی می‌کند. درگیر شدن وابستگان سیاسی حاکمیت در ماجرای حجاب خود به خود

نوعی تضاد درست می‌کند که باز هم غلظت سیاسی ماجرا را بیشتر می‌کند. فراتر از بحث حجاب اساساً زن در ایران موجودیتی سیاسی است. از بدو امر گفته‌اند زن بهتر است خانه‌نشین باشد، نرخ رشد جمعیت را افزایش دهد، ساعت حضورش در ادارات کنترل شده باشد و قس علی هذا.

وی گفت:

اصلاح‌طلبان یک موضع اخلاقی-سیاسی دارند و آن این‌که باید از جامعه دفاع کنند. اکنون جامعه معترض است و تعدادی کشته بر روی دست‌اش مانده است. ما باید از این‌ها دفاع کنیم. به قول گلشیری: آن قدر عزا بر سر جامعه ریخته است که فرصت زاری ندارد. اصلاح‌طلبان باید کنار مردم باشند. از طرف دیگر اصلاح‌طلبان باید به دنبال گروه‌های حقیقت‌یاب بروند و آن‌ها را ترغیب کنند تا همه وقایع اخیر پیگیری و ثبت و ضبط شود به خصوص فجایع جمعی مانند زاهدان که ممکن است سال‌ها در ضمیر مردم آن‌جا نقش و مُهر خود را بزند علاوه بر این باید فشار آورد تا نیروی لباس شخصی در خیابان حضور نداشته باشد؛ خطرناک‌ترین نیرو، نیروی بی‌شناسنامه است زیرا هر خفت‌گیر و زورگیر و مجرمی می‌تواند تحت عنوان نیروی لباس شخصی به اموال مردم صدمه بزند و یا به جان آن‌ها صدمه وارد کند.

برچسب‌ها: [اصلاحات](#) [1]

[اعتراض](#) [2]

[حقوق شهروندی](#) [3]

[حجاب](#) [4]